سیدحامد موسوی، استاد دانشگاه تهران از ۳ راهکار و امکان تحقق آن در مساله فلسطین می‌گوید

۵ موضوعی که راهکار دودولتی را ناممکن می‌کند

کلاهی که سر فلسطینیان رفت

موضوع بعدی شهرک‌نشینان هستند. در این نقطه یک کلاه گشاد سر فلسطینی‌ها رفته است. حالا ممکن است این استدلال را برخی از من نپذیرند ولی اگر دوستان تحقیق کنند و متن اسلو ۱ و ۲ را بخوانند، می‌بینند واقعا فاجعه‌ای رخ داده است. این موضوعات پنج‌گانه هیچ کدام‌شان در مذاکرات اسلو به نتیجه نمی‌رسد. طرحی که از جانب آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها مطرح می‌شود، این است که «بیایید به یک توافق موقت برسیم»، یعنی فعلا توافق کنیم و همدیگر را به رسمیت بشناسیم، امضا کنیم و صلح نسبی شکل بگیرد. بعد از آن پنج سال مذاکره می‌کنیم و به یک توافق نهایی می‌رسیم.

درواقع اسلو توافقی است برای به توافق رسیدن. متن حدود ۱۵ صفحه‌ای اسلو را نگاه کنید، می‌بینید که هیچ‌کدام از این پنج مورد اختلافی در آن تعیین تکلیف نشده است. حالا چرا می‌گویم این کلاهی بسیار گشاد است؟ این یک تاکتیک است که کلا اسرائیلی‌ها به کار می‌برند. اگر مروری بر مذاکرات اخیر آنها داشته باشیم، متوجه این سیاست می‌شویم. چند هفته اخیر مذاکرات کمپ دیوید را که میان تیم سادات با میزبانی کارتر انجام شد را می‌خواندم، آنجا هم درمورد فلسطین چنین کلک‌هایی می‌زدند. همیشه موضع اسرائیلی‌ها این است که توافق موقت و بعد آن مذاکره می‌کنیم و در یک تاریخ آتی به نتیجه می‌رسیم. می‌بینید عملا اسرائیلی‌ها قول نسیه می‌دهند، این نسیه‌هایشان هم هیچ‌وقت تبدیل به نقد نمی‌شود. یعنی همیشه چک‌هایشان برگشت می‌خورد. حداقل در موضوع فلسطین که همیشه همین اتفاق رخ داده است. اتفاقی که در اسلو افتاد این بود که مهم‌ترین کارت مذاکره فلسطینی‌ها را گرفتند. موقعی که من از کلمه فلسطینی‌ها استفاده می‌کنم منظورم سازمان آزادی‌بخش فلسطین، عرفات و تیمش است نه گروه‌های اسلامگرا. البته رشد گروه‌های اسلامگرا عموما در دهه ۸۰ بوده و اصلا جایگاه‌شان در برهه تاریخی قابل قیاس با الان نیست. خلاصه عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین توافق را انجام می‌دهند و مهم‌ترین کارت بازی که داشتند و آن هم به رسمیت شناختن اسرائیل بوده را در اسلو از دست می‌دهند. اگر شما متن قرارداد اسلو را بخوانید، آنها اسرائیل را به رسمیت شناختند. این کار اسرائیل خیلی جالب بود؛ چراکه عرفات و تیمش (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) را به‌عنوان «نماینده مردم فلسطین» شناخته است. در قرارداد اسلو یک بار هم اشاره نشده که «دولت فلسطینی» شکل می‌گیرد.

این خیلی موضوع کلیدی‌ای است. من به خاطر دارم در دوران دانشجویی همیشه با صهیونیست‌ها بحث و جدل می‌کردم و طرح ۲ دولت ۲ ملت را مطرح می‌کردم و ادعا می‌کردم آنها به قول‌هایشان وفادار نیستند و در قرارداد اسلو فلسطینی‌ها را گول زدند؛ و آنها هم در پاسخ همیشه می‌گفتند «کجای اسلو قول دادیم که یک دولت شکل بگیرد؟» از این جهت این طرح ۲ دولت ۲ ملت اساسش وقتی که وارد جزئیات می‌شود، خیلی متفاوت با آن چیزی است که توسط رسانه‌ها مطرح می‌شود. در رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های غربی یک چیز مطرح می‌شود اما واقعیت چیز دیگری است. واقعیت امر همین است. همکلاسی‌های ما به درستی می‌گفتند ما کجای اسلو قول دادیم که دولت فلسطینی شکل خواهد گرفت؟ در اسلو فقط گفته شد پنج سال بر سر پنج موضوع اختلافی مذاکره خواهد شد. در متن اسلو اصلا یک بار هم کلمه‌ای از دولت فلسطین نیامده است.

چرا اسرائیلی‌ها به دنبال توافق رفتند؟

برای تغییر نگرش اسرائیلی‌ها دلایلی خیلی رئالیستی وجود داشته است. ۸ دلیل برای این موضوع آوردم که به اولی آن یعنی به رسمیت شناخته شدن اشاره کردم که موضوع خیلی مهمی است. دومی جلوگیری از رشد گروه‌های اسلامگرا که مخالف این توافق بودند. در دهه ۸۰ این گروه‌ها رشد می‌کنند و در انتفاضه که از سال ۱۹۸۷ انتفاضه اول بود، جایگاه‌شان خیلی مهم‌تر و موثرتر می‌شود. توجه داشته باشیم که اینها در خود غزه و کرانه باختری فعال بودند، درصورتی که عرفات و تیمش در تونس و خیلی دور بودند. درخصوص این موضوع شاید بتوان گفت که هر دو طرف با شماره ۲ موافق بودند؛ یعنی گروه‌های اسلامگرایی که رو به رشد است را به حاشیه ببرند.

سومی پایان دادن به انتفاضه بود. انتفاضه اول که ۸۷ شروع می‌شود؛ اول اسرائیلی‌ها خیلی آن را دست‌کم می‌گرفتند. این توضیح را هم بدهم که آن موقع فلسطینی‌ها اصلا قدرت نظامی خاصی نداشتند؛ یعنی انتفاضه سنگ بوده است. یعنی کلیپ‌هایی هم که از آن زمان می‌بینیم، فلسطینی‌ها به تانک اسرائیلی‌ها سنگ پرت می‌کنند، مربوط به همین دوران انتفاضه اول است. اسرائیلی‌ها اول اعتصابات را خیلی دست‌کم می‌گیرند ولی هرکاری که می‌کنند نمی‌توانند آن را جمع کنند. انتفاضه اول از سال ۱۹۸۷ که شروع می‌شود تا همین ۱۹۹۳ دوران امضای اسلو ادامه پیدا می‌کند. پایان دادن به انتفاضه باز خودش امتیاز قابل توجهی به اسرائیل بوده است. چهارمی باز به همان موضوع انتفاضه برمی‌گردد. آن هم اینکه انتفاضه اول یک برهه‌ای است که اسرائیل به شکل جدی در غرب مورد چالش قرار گرفته و وجهه‌اش مورد هجمه قرار می‌گیرد. این طرح صلح و همین عکس معروف عرفات-رابین، به بازسازی این وجهه بسیار کمک می‌کند.

پنجمین موضوع این بوده که اداره مناطق اشغالی در غزه و کرانه باختری خیلی برای اسرائیل آورده‌ای نداشت. منظور من حاکمیت نظامی امنیتی نیست. این حاکمیت را اسرائیل حفظ می‌کند اما کارهایی همچون انجام کارهای شهرداری، جمع کردن آشغال‌ها، صدور مجوز ساختمان‌سازی و امثالهم، ترجیح می‌دهد که برعهده خود فلسطینی‌ها قرار بدهد. ممکن است برخی فلسطینی‌ها این را امتیاز ببینند، فکر کنند اسرائیل امتیازی بهشان داده ولی واقعیت این نیست. چند سال پیش که محمود عباس با آمریکایی‌ها دچار مشکل شده بود، آنها را تهدید کرد که من اداره کرانه باختری را به خودتان پس می‌دهم. از همین تهدید می‌توان فهمید که فلسطینی‌ها امتیازی نگرفتند. در این موضوع حاکمیت نظامی امنیتی اسرائیل حفظ شده و امور پردردسر اداره شهری به فلسطینی‌ها واگذار شده است. موضوع شماره ۶ این بوده که تا قبل اسلو طرح‌های ۲ دولت ۲ ملت اکثرا ذیل طرح‌های به اصطلاح صلح با کشورهای عربی دیگر بوده است. این یکی از استراتژی‌های اسرائیل است که جدا جدا توافق می‌کند اما با یک جبهه واحد توافق نمی‌کند. موضوع شماره ۷ عادی‌سازی روابط هم با جهان اسلام و هم با کشورهای دیگر است.

اسرائیل در دهه ۹۰ با بیش از ۵۰ کشور روابط سیاسی برقرار می‌کند. یعنی از این جهت توافق خیلی خوبی برای اسرائیل بوده است.

موضوع هشتم بهبود شرایط اقتصادی است که من یک سری آمار می‌دهم. شما این هشت مورد را نگاه کنید. برای همین در ابتدا گفتم با اینکه نمی‌خواهم امید به وجود آمدن یک هویت لیبرال صهیونیسم و نقشش در شکل‌گیری اسلو را به طور کلی رد کنم اما باید بدانیم که در این طرح حتی محاسبات اسرائیل هم با هم جور در می‌آید. اسلو یک برد چشمگیر برای اسرائیل است. یعنی با توجه به اینکه قول شکل‌گیری یک دولت فلسطینی را در اسلو ندادند، این همه امتیاز گرفتند. به این خاطر اسرائیلی‌ها باید به رابین و تیمش جایزه بدهند.

بعد از این توافق، شاهد رشد اقتصادی هستیم. دهه ۹۰ یک دهه عالی برای اسرائیل بود. نیمه اولش ۴۰ درصد اقتصاد اسرائیل بزرگ شده، صادرات ۵۴ درصد افزایش پیدا کرده، سرمایه‌گذاری خارجی از ۵۰ میلیون دلار به دو میلیارد دلار رسیده، افزایش روابط دیپلماتیک اتفاق افتاده و... دهه ۹۰ خلاف دهه ۸۰ است. دهه ۸۰ به لحاظ اقتصادی برای اسرائیل خیلی چالش‌برانگیز بود. نیمه اول دهه ۸۰ در بعضی برهه‌ها حتی تورم اسرائیل بالای ۱۰۰ درصد بوده؛ یعنی چالش تا به این حد جدی بوده. ولی دهه ۹۰ دوران شکوفایی اقتصاد اسرائیل بود. در نیمه دوم یعنی بعد از قراردادهای صلح و پایان یافتن انتفاضه، سرمایه‌گذاری جدی‌ای در اسرائیل و در بخش‌های های‌تک اتفاق افتاده که به لحاظ اقتصادی یک موفقیت چشمگیر بوده است.

اسلو با فلسطینی‌ها چه کرد؟

در همین دوره فلسطینی‌ها برعکس اسرائیلی‌ها به شدت اقتصادشان دچار چالش می‌شود. یعنی از موقعی که عرفات و تیمش اقتصاد را به دست می‌گیرند، دچار چالش می‌شود.

صهیونیست‌های مذهبی؛ مخالفان ۲ دولتی

باید یک پرانتز باز کنم، چون در طرح دو دولت، دو ملت، نقش «ابراهیم اسحاق کوک» و پسرش «زوی کوک» را می‌بینید که پدر بنیانگذار صهیونیسم مذهبی منتظر ظهور است که البته در دوران خودش، خیلی شخصیت تاثیرگذاری نبود اما پسرش تاثیرگذار بوده. زمانی که بیت‌المقدس شرقی را می‌گیرند و دیوار ندبه دست‌شان می‌افتد، اولین کسی که ارتش می‌آورد تا اولین دعا را آنجا بخواند، زوی کوک است. اینها جریان صهیونیسم مذهبی منتظر ظهور را از بعد از جنگ ۱۹۶۷ به بعد، به رشد چشمگیری می‌رسانند. سال ۱۹۷۴ کوک گروهی به نام «گوش امونیم» به معنی «جمعیت باایمان» را تشکیل می‌دهد. اینها صهیونیست‌های مذهبی هستند. این جمعیت شروع به شهرک‌سازی در کرانه باختری و اندکی کمتر، شهرک‌سازی در غزه می‌کنند. بسیار ایدئولوژیک‌اند و رشدشان هم در جامعه اسرائیل در سالیان اخیر بسیار بیشتر هم شده است. یکی از حوزه‌هایی که من روی آن کار می‌کنم همین صهیونیست‌های منتظر ظهور هستند. افراد ایدئولوژیک خاصی هستند. این هم در پرانتز بگویم که ما خیلی مواقع فکر می‌کنیم که ایدئولوژی اینها شبیه صهیونیست‌های مذهبی مانند لیکود است یا شاید فقط اندکی تندتر باشند، ولی واقعیت این است که اصلا مبانی فکرشان با آنها متفاوت است. این مذهبی‌های منتظر ظهور از همان اول مخالف طرح دودولت-دوملت بودند. آن هشت موردی که گفتم، اصلا برایشان اهمیتی ندارد و این بحث‌ها را بحث‌های الهی می‌دانند. طبق گفته کوک اعتقاد دارند که گرفتن و تصاحب این سرزمین‌های مقدس در امر ظهور تعجیل ایجاد می‌کند. به همین دلیل هم اصلا کوتاه نمی‌آیند. درنهایت «ایگال عمیر» که یک دانشجوی حقوق از همین مذهبی‌های صهیونیست بود، رابین را ترور کرد. اینکه می‌گویند آدم‌های خیلی ایدئولوژیستی هستند، به خاطر دارم ایگال عمیر که حکم حبس ابد از دادگاه داشت در سال ۲۰۱۰ به دلیل اینکه ۱۵ سال در انفرادی نگه داشته شده بود، از دادگاه اسرائیل شکایت کرد. بخشی از گفته‌های او در بازجویی‌ها هم منتشر شده است. بعد از ۱۵ سال انفرادی و با اینکه از ۱۹۹۵ تا به الان که در زندان است، هنوز یک دفعه هم ابراز پشیمانی نکرده و می‌گوید که ترور رابین کار من بوده است. رابین کسی است که خودش این سرزمین‌ها را در جنگ شش روزه گرفت ولی می‌بینید اینها گروه بسیار تندرویی هستند که اصلا اجازه نمی‌دهند طرح دودولت-دوملت شکل بگیرد. حتی به فرض اینکه این طرح وجود داشته باشد، باز هم اینها طرح را منحرف کردند.

فلسطینی‌ها در اسلو خیلی سادگی کردند. با این فرض که امضا می‌کنیم و همه چیز خوب پیش می‌رود و به زودی دولتی در آن ۲۲ درصد شکل خواهیم داد، همین‌جور جلو رفتند. واقعیت امر این است که اصلا جزئیات توافق این نبوده. توافق بعدی که به نام اسلو در سال ۱۹۹۵ در مذاکرات مصر شکل می‌گیرد، اسرائیل این ۲۲ درصد را هم تقسیم‌بندی می‌کند. منطقه‌ای که در شکل شماره ۱۰ می‌بینید؛ اسرائیل این ۱۷ درصد قرمز پررنگ را به فلسطینی‌ها می‌دهد. توجه داشته باشید که این ۱۷ درصد از آن ۲۲ درصد است. یعنی اگر ریاضیاتم درست باشد، می‌شود حدود ۴ درصد فلسطین و از ۴ درصد هم اندکی کمتر. کلا فلسطین منطقه بزرگی نیست. این چند درصد، یک سری شبه جزیره است که اصلا نمی‌توان در آن دولت شکل داد. قسمت دوم که قرمز کمرنگ است، ۲۴ درصد از آن ۲۲ درصد است که اسرائیل می‌گوید شما در اینجا کنترل شهری خواهید داشت. مثلا امور شهرداری، راهنمایی رانندگی و مواردی این طور، دست فلسطینی‌ها خواهد بود اما به لحاظ امنیتی و نظامی منطقه قرمز کمرنگ، دست اسرائیل است. اسرائیل درباره قسمت آبی که مهم‌ترین جای کرانه باختری شامل تمام مرزها و نقاط استراتژیک است، می‌گوید به طور کل دست من است. این را هم بگویم که باز عرفات و تیمش این را هم امضا می‌کنند.

تصویر شماره ۱۱، نقشه‌های قبل از عقب‌نشینی از غزه است و در آن شهرک‌هایی که صهیونیست‌های مذهبی ساخته‌اند، آمده است. البته باید توجه داشت که دولت‌های مختلف کمک می‌کنند تا غیر این صهیونیست‌ها هم در این مناطق ساکن شوند. یعنی وام‌های خیلی خوبی می‌دهند و خانه و ویلایی برایشان می‌سازند. برخی از اینها هم شهرک‌های کوچکی نیستند. مثلا بزرگ‌ترینش که اریل است. در آن یک دانشگاه بزرگ و بالای ۱۰ هزار دانشجو وجود دارد. آن نقاط زرد را اگر مشاهده کنید، می‌بینید که به شکل خیلی قوی‌ای تمام نقاط مهم و تپه‌ها در کرانه باختری را به شهرک‌سازی اختصاص می‌دهند. تصویر شماره ۱۲ جاده‌هایی است که فقط یهودی‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند و فلسطینی‌ها اجازه عبور از آنجا را هم ندارند. باید از یک سری چک‌پوینت رد شوند که در تصویر شماره ۱۳ آمده است. تصویر شماره ۱۴ ترکیب نقشه‌های دیگر است که وقتی روی هم می‌گذارید، کرانه باختری این شکلی می‌شود.

اسلو۲ برخلاف اسلو۱ که گفتم ۱۵ صفحه است، خیلی مفصل و بیش از ۱۸۰ صفحه است. در این صفحات یک بار اشاره نمی‌شود که طبق این توافق قرار است یک دولت فلسطینی به وجود بیاید. یعنی حتی در آن نقاط قرمز پررنگ (حدود ۴ درصد فلسطین) هم نمی‌گوید که دولت فلسطینی بنا شود. ما حالا در فارسی می‌گوییم دولت خودگردان، ولی دولت نیست. نمی‌دانم اگر بخواهیم ترجمه بهتری بگوییم چیست. ولی می‌خواهم بگویم که کلمه دولت به آن شکل Nationstate اصلا معنا ندارد و اصلا اسرائیلی‌ها چنین امتیازی راحتی در اسلو۲ به فلسطینی‌ها نمی‌دهند. ولی نقشه را که نگاه می‌کنید، می‌فهمید در آینده هم گرفتن چنین توافقی از هیچ دولت اسرائیلی ممکن نیست. در این مورد به خصوص من صراحتا به شما دوستان می‌گویم که معتقدم به هیچ عنوان هیچ دولت اسرائیلی اجازه شکل‌گیری یک دولت فلسطینی را نخواهد داد. در نتیجه‌گیری‌ام بیشتر به دلایل آن اشاره می‌کنم اما همین را بگویم که اجازه‌ای نخواهد داد. از دید من اصلا امکان ندارد. تصویر شماره ۱۵ بیت‌المقدس و وضعیت شهرک‌ها را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۱ که کنفرانس صلح مادرید برگزار شده، ۹۰ هزار شهرک‌نشین بوده. امروزه بیش از ۷۰۰ هزار شهرک‌نشین در کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی ساکنند. کوک جمله‌ای به شهرک‌نشین‌ها گفته که خیلی جمله معروفی است. کوک طبق گفته‌هایش معتقد است «ارتش اسرائیل ارتش خداست»، ولی به شهرک‌نشینان می‌گوید همین ارتش خدا اگر آمد سراغ‌تان و مجبورتان کرد از کرانه باختری بروید، با تیر بزنیدش. یعنی می‌خواهم بگویم که چقدر این بحث برایشان جدی است و اصلا کوتاه نمی‌آیند.

چرا نه به معامله قرن؟

بخش بعدی، معامله قرن ترامپ است. در دوران ترامپ خیلی دنبالش بودند ولی با آمدن بایدن خیلی پیگیری نشدند. احتمال اینکه با سرکار آمدن مجدد ترامپ، این طرح و پیگیری اجرای آن در دستورکار قرار بگیرد، وجود دارد. در تصویر شماره ۱۶ طرح را می‌بینید. این نقشه‌ای است که معامله قرن پیشنهاد می‌دهد. قسمت آبی فلسطینی است و بقیه اسرائیلی. همان موقع که در ایران مطرح شد، شبهات مختلف وجود داشت. در دانشگاه دانشجویان مختلفی به من می‌گفتند که چرا فلسطینی‌ها این را نمی‌پذیرند؟ این نقشه از هیچی که بهتر است، همین را قبول کنند و دولت تشکیل دهند. تیم ترامپ هم، جرد کوشنر و خانومش ایوانکا در این طرح خیلی نقش داشتند. خیلی هم به فلسطینی‌ها قول می‌دادند که اگر شما این را بپذیرید، ما کمک خواهیم کرد وضعیت اقتصادی شما بهتر شود. با کشورهای عربی مختلف صحبت کردیم که سرمایه‌گذاری‌های جدی در فلسطین داشته باشند و وعده‌هایی مانند این. این سوال پیش می‌آید حالا فارغ از هر چیزی که در اسلو مطرح شده بود، چرا فلسطینی‌ها و حتی محمود عباس هم حاضر نشدند راجع به این طرح مذاکره کنند؟ چند نکته خیلی کلیدی وجود دارد. متن این نکات در سایت خود کاخ سفید هست. این طرح ترامپ حدود ۱۸۵ صفحه است. طرح معامله قرن برای فلسطینی‌ها چند نکته کلیدی دارد. اول این است که مبنا و شروع طرح با اسلو است و این در طرح‌های دو دولت، دوملت بعد از اسلو ثابت است. یعنی اسلو دیگر خودش مبناست. آن را مبنا قرار می‌دهند و برخی چیزها را تغییر می‌دهند. در طرح ترامپ اصطلاحی است به نام fact on the ground «واقعیات روی زمین». اینجا واقعیات روی زمین منظور شهرک‌هاست. یعنی فلسطینی‌ها می‌گفتند طبق قطعنامه ۲۴۲ آن ۲۲ درصد را چرا به ما نمی‌دهید و به قوانین بین‌المللی احترام نمی‌گذارید؟ تیم ترامپ و اسرائیلی‌ها می‌گفتند از سال ۱۹۶۷ تا به الان یک سری واقعیات به وجود آمده و ما باید براساس واقعیات پیش برویم. بر همین اساس یک سری سیستم‌ها را عوض کردند. مثلا کرانه باختری عملا تکه‌تکه شده و تیم ترامپ گفتند به جای آن بخش ما پایین‌تر در صحرا یک بخش‌هایی را به شما می‌دهیم. بعد می‌بینید این نقشه به شدت عجیب و غریب است. چرا این نقشه به وجود آمده؟ چون می‌گفتند بزرگ‌ترین شهرک‌ها و بیشتر شهرک‌ها را می‌خواهیم حفظ کنیم. من اندکی از این جلوتر می‌روم. دوباره در این طرح هم موضوع کلیدی همان است که اسلو نداشت. آیا این طرح اجازه تشکیل یک دولت فلسطینی را بالاخره می‌دهد یا نه؟ کل بحث امروز ما همین است. طرح ترامپ برخلاف اسلو۱ و ۲ ایده‌اش را مطرح می‌کند ولی چهار شرط اصلی می‌گذارد. می‌گوید دولتی که شکل می‌گیرد، دولت فلسطینی باید آزاد و دموکراتیک باشد. انتخابات‌ها و رسانه‌های آزاد داشته باشد و به حقوق بشر احترام بگذارد و... شرط دو هم عمدتا بحث در رابطه با اقتصاد است. طرح را ایوانکا و کوشنر هم نوشته بودند. به اینها Globalist می‌گفتند. خانواده ترامپ خیلی به اقتصاد باز آزاد و نئولیبرال اعتقاد دارند. بحث کردند که اقتصاد فلسطین باید باز باشد و تجارت کند. من تخصصی ندارم که بگویم این شرط خوب است یا نه.

شرط سوم می‌گوید فلسطینی‌ها بایستی تمام برنامه‌ها و تمام مطالب درسی مدارس و همه مطالب دیگر، یعنی جاهای دیگر، در دانشگاه نوشته می‌شود، دانشجو می‌نویسد، خبرنگار می‌نویسد، تمام مطالبی که نفرت را درخصوص اسرائیل منتشر می‌کند یا مخالفت با همسایه (منظور اسرائیل است) ایجاد می‌کند را سانسور کنند و از بین ببرند. یعنی عملا می‌گوید که فلسطینی‌ها دیگر حتی حق ندارند در کتب درسی‌شان راجع به اسرائیل بد بنویسند. جالب این است که در شرط یک اشاره کردند که آزادی بیان و عقیده باشد، بعد در این بخش آن را نقض کردند و صراحتا می‌گویند هرگونه مخالفت با اسرائیل به لحاظ فکری باید ریشه‌کن شود. شرط چهارم، باز مثل موارد اختلافی که گفتم، می‌گوید این فلسطینی‌ها کنترل پلیسی برای اداره مناطقی که دست‌شان است، خواهند داشت ولی بایستی جمعیت خودشان را خلع سلاح کنند. خیلی جالب است. حتی نمی‌گوید دولت اجازه داشتن ارتش ندارد. فراتر از آن است و می‌گوید جمعیت فلسطینی باید خلع سلاح شوند. در این دولت باید همه گروه‌های فلسطینی خلع سلاح شوند. مساله این است؛ اینکه فلسطینی‌ها این شرایط را عمل کردند یا نه، که با توجه به آن اجازه تشکیل دولت داشته باشند را آمریکا و اسرائیل قضاوت می‌کنند. یعنی فلسطینی‌ها این شروط را اجرا کنند و همه آن چیزهایی که نفرت توزیع می‌کند را از بین ببرند و خلع سلاح شوند، نهایتا هم قضاوت با اسرائیل و آمریکاست. من حقوقدان نیستم اما مثل این می‌ماند که دو نفر با هم قراردادی در بحث حل اختلاف امضا می‌کنند، فردی که باید حل اختلاف کند، یکی از همان طرف‌های قرارداد یا محل منازعه است. یعنی اینجا بین اسرائیل و فلسطین خود اسرائیلی‌ها حق وتو خواهند داشت. عملا می‌بینید چیزی که وجود دارد واقعا از اسلو هم بدتر است.

امکان ۲ دولت، ۲ ملت صفر است

معامله قرن عملا طرحی است که به کلی فلسطینی‌ها را خلع سلاح می‌کند و فلسطینی‌ها باید تسلیم شوند. نه حتی به لحاظ نظامی، حتی به لحاظ فکری، یک قرارداد بسیار بسیار پر چالشی است. من به نتیجه‌گیری برسم. عملا طرح ۲ دولت، ۲ ملت یک طرح مرده است. به نظر من امکانش، نزدیک به صفر است. بسیار دور از ذهن است که اسرائیل بخواهد حتی در ۴۰ سال آینده اجازه شکل‌گیری یک دولت فلسطینی را بدهد. حداقل از روش دیپلماتیک چنین اجازه‌ای را نخواهد داد. دوستان می‌دانند سال ۲۰۰۵ آریل شارون از غزه عقب‌نشینی کرد و حدود ۹ هزار نفر شهرک‌نشین و حدود ۲۱ شهرک را به قول معروف از روی نقشه پاک کرد. این را هم بگویم که شهرک‌نشین‌ها به شارون، پدر شهرک‌نشین می‌گفتند، بسیار آدم تندی هم بود. بزرگ‌ترین شهرک در کرانه باختری به اسم شارون به عنوان «آریل» نامگذاری شده است.

چرا از کرانه باختری عقب‌نشینی نمی‌کنند؟

اینجا سوال پیش می‌آید که اگر آنها عقب‌نشینی کردند، چرا متصور نیستم این کار را در کرانه باختری هم بتوانند انجام دهند؟ اول باید توجه داشت که غزه خیلی با کرانه باختری متفاوت است. کرانه باختری برای اسرائیلی‌ها خیلی مهم‌تر است. گروه‌هایی مثل مذهبی‌های صهیونیست و حتی لیبرال‌ها که نگاه‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی دارند، از دیدشان کرانه باختری خیلی مهم است. چرا؟ اگر فرضا اسرائیل از کرانه باختری عقب‌نشینی کند، در نقاط کلیدی یعنی جاهایی که مناطق کلیدی اسرائیل است، تل‌آویو و... خواهد بود. یعنی رسما ارض اسرائیل حدود ۹ مایل می‌شود؛ یعنی چیزی حدود ۱۴ کیلومتر. دوستان می‌دانند اسرائیل درحال حاضر عمق استراتژیک خیلی کمی دارد. عقب‌نشینی از کرانه باختری این عمق استراتژیک را فاجعه می‌کند. امروز داشتم به فرودگاه بن‌گوریون نگاه می‌کردم، فاصله‌اش با مرز کرانه باختری کمتر از ۱۰ کیلومتر است. یعنی عقب‌نشینی از کرانه باختری اسرائیل را با یک فاجعه امنیتی روبه‌رو می‌کند. اسرائیلی‌ها به هیچ عنوان حاضر نیستند آنجا را ترک کنند. از طرفی برای مذهبی‌های صهیونیست که در دهه‌های اخیر در اسرائیل خیلی گروه تاثیرگذاری شدند، کرانه باختری بسیار ارزش دینی بالایی دارد. محل زادگاه پیامبران و زندگی پیامبران بنی‌اسرائیل بوده است. چنین دیدگاهی نسبت به غزه وجود ندارد. مذهبی‌های صهیونیست از همان اول هم غزه برایشان مانند کرانه باختری خیلی مهم نبود. سر همان عقب‌نشینی ۹ هزار نفر از غزه توسط پدر شهرک‌نشینان، مذهبی‌ها مراسمی تشکیل دادند که شارون را برای این کار نفرین و سحر و جادو کنند که طی آن نفرین، ملک‌الموت سراغ طرف بیاید. اتفاقا چند ماه بعد از آن مراسم، شارون سکته کرد. شارون ۲۰۰۶ سکته کرد و فکر کنم تا ۲۰۱۴ حدود ۸ سال در کما بود. مذهبی‌ها می‌گفتند این نتیجه همان کار و مراسم ماست. این را می‌گویم تا بدانید چه دیدگاه‌های تندی دارند. حالا شما بخواهید ۷۰۰ هزار نفر مسلح را از کرانه باختری خارج کنید؟ عملا یک بحث و کار نشدنی است. من اگر بخواهم چیزی به عنوان جملات آخر بگویم، عملا طرح ۲ دولت، ۲ ملت طرح نشدنی است. اما اسرائیلی‌ها در عین حال از اوایل دهه ۹۰ مشکلی با مذاکره و حتی یک سری توافقات ندارند. در عمل نمی‌گذارند دولت فلسطینی شکل بگیرد اما مذاکره و توافق برایشان فایده دارد. مذاکره و توافق می‌تواند مشکلات‌شان را برطرف کند. برای همین اگر ترامپ بیاید، هیچ مشکلی نخواهند داشت. می‌گویند ما آماده مذاکره هستیم و این مشکل از فلسطینی‌هاست که نمی‌خواهند توافق بکنند. کلا تاکتیک همیشه اینجور بوده است که امتیازات نقد نمی‌دهند؛ امتیاز نقدی که می‌دهند، خیلی محدود است. همیشه قول از آینده می‌دهند و بعد در آینده هیچ کدام از چیزهایی که مطرح شده بود را نمی‌دهند. یک چیز دیگری هم که یاد گرفته‌اند این است که دولت‌های امریکایی که بهشان فشار می‌آورند، با دادن قول در آینده عملا آن دولت‌ها را سرکار می‌گذارند تا دوران‌شان به پایان برسد. برای نمونه اگر یادتان باشد- حتما خاطر دوستان هست- اوباما و نتانیاهو سر شهرک‌نشینان و توسعه شهرک‌ها چالش داشتند و مدتی فریز گذاشتند که سر همان هم بحث است که اصلا چی بود. ولی عملا صهیونیست‌ها می‌دانند اندکی فشار را تحمل کنند، آن رئیس جمهور از کاخ سفید بیرون می‌رود و دوباره سیاست خودشان را ادامه می‌دهند. عملا بحث ۲ دولت، ۲ ملت یک طرح مرده است. طرحی است که من اصلا چشم‌اندازی نمی‌بینم که از طریق هر مدل مذاکره‌ای بخواهد دولت فلسطینی در ۲۲ درصد خاک فلسطین ایجاد شود.

* * *

پیش‌بینی شما از آینده چیست؟ فارغ از اینکه چه می‌شود، چه طرحی می‌توان به عنوان جایگزین ارائه کرد؟ طرحی که شدنی باشد؟

سوال واقعا دقیق و خوبی است. ولی جواب خیلی آسان و روشنی ندارد. من گزینه‌های موجود را بگویم. طرح ۲ دولت و ۲ ملت، راجع بهش صحبت کردیم. طرح جایگزین دیگر چیست؟ طرح دیگری است؛ یک دولت که الان خیلی از فعالان فلسطینی و جریان جنبش بی‌دی‌اس جهانی (بایکوت اسرائیل) هم عمدتا به دنبال این است. وقتی طرح ۲ دولت، ۲ ملت دچار افول شد، خیلی از فعالان در دنیا به دنبال طرح یک دولت هستند. این طرح این است که یک دولت باشد در تمام خاک فلسطین و همه حق رای داشته باشند؛ هم اسرائیلی‌ها و هم فلسطینی‌ها. این طرح هم براساس مبانی غربی است. یعنی بر اساس لیبرال دموکراسی است. نمی‌توان سیستمی داشت که برخی حق رای داشته باشند و برخی نداشته باشند. سوای بحث دین و نژاد و اینها مانند کشورهای دیگر که آزادی دین وجود دارد و نژادهای مختلف با هم همزیستی مسالمت‌آمیزی دارند، ما هم باید سعی کنیم اینجا همان مدل را ایجاد کنیم. در ارائه طرح، برای خیلی از غربی‌ها هم جذاب است، چراکه بر اساس ارزش‌هایشان است. اما آن طرح هم به هیچ عنوان امکان به واقعیت پیوستن ندارد. چرا؟ به خاطر اینکه ما الان ترکیب جمعیتی که آنجا داریم به این شکل است: ما حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ فلسطینی در غزه داریم. حدود ۳ میلیون در کرانه باختری داریم. حدود ۲ میلیون فلسطینی داریم که پاسپورت اسرائیلی دارند؛ یعنی فلسطینی‌های ۱۹۴۸. همین الان جمعیت یهودی‌های اسرائیل هم حدود ۷ میلیون و ۲۰۰ است. تازه در خیلی از مطالب که آدم می‌خواند، تحلیل‌شان این است که فلسطینی‌ها اندکی بیشتر هستند. یعنی اگر این طرح همین الان هم اجرا شود، این دولتی که حالا اسمش هر چیزی که باشد، عملا نخست وزیر و دولت آینده‌اش یک دولت فلسطینی و بلکه مسلمان خواهد بود. حالا شما به این اضافه بکنید فلسطینی‌هایی که اخراج شده‌اند و طبق قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل، حق بازگشت دارند. آنها هم حدود ۷ میلیون نفر هستند. یعنی اگر برگردند، بیش از ۱۴ میلیون فلسطینی و ۷ میلیون یهودی خواهند ماند و این عملا یعنی مرگ صهیونیسم. ما صهیونیست‌های چپ داریم که مثلا به حزب مرت رای می‌دهند و حتی از طرح ۲ دولت و ۲ ملت دفاع می‌کنند ولی حتی آنها هم این طرح یک دولت را نمی‌پذیرند؛ چون عملا یعنی پایان صهیونیسم و اسرائیل. گزینه سوم این است که طرح دو دولت، دو ملت انجام شود و نه طرح یک دولت و همین سیستم پیش برود. همین سیستمی آپارتاید ادامه پیدا کند. به نظر من این از همه محتمل‌تر است، یعنی عملا ما راه حلی نخواهیم داشت. چیزی که من از آینده می‌بینم، همین جنگ و درگیری خواهد بود و فلسطینی‌ها به حق و حقوق‌شان از طریق مذاکره نخواهند رسید.

بالاخره هفت میلیون انسان هستند که هیچ چیز ندارند. درنهایت برای اینها باید یک اتفاق بیفتد یا می‌گوییم این غده تا ابد باقی می‌ماند یا به یک نقطه تعادلی می‌رسد. جوانان در دنیا زیربار حرف‌های موعودگرایانه اسرائیلی نخواهند رفت. نظرسنجی‌ها در آمریکا هم این را خوب نشان می‌دهد که درصد حمایت زیر ۳۰ ساله‌ها از فلسطینی‌ها بیشتر از اسرائیل است. شما نقش این امر را چطور می‌بینید و به نظر شما درنهایت چه خواهد شد؟

حرف شما را قبول دارم که این مساله واقعا برای همه هزینه‌زاست اما فکر نمی‌کنم در کوتاه‌مدت یا حتی میان‌مدت، طرح و تغییری جدی ببینیم. در اینکه سناریوهای جدید بخواهند تعریف شوند به نظر من توازن قدرت باید تغییری جدی پیدا کند. اگر توازن قدرت به نفع اسرائیلی‌ها باشد این احتمال وجود دارد که مانند پاکسازی نژادی ۷۸ درصد، این ۲۲ درصد را هم پاکسازی کنند. اگر کفه ترازو به نفع فلسطینی‌ها سنگین شود، ممکن است سناریوهای جدیدی اینجا محتمل شود اما این مساله خیلی زمان می‌برد. در بحث افکار عمومی صددرصد با شما موافق هستم. چند هفته پیش دیدید که پارلمان کانادا تحریم تسلیحاتی برای اسرائیل گذاشت. من خیلی تعجب کردم، چون لابی اسرائیل در کانادا خیلی قوی است. من اصلا فکر نمی‌کردم این را ببینیم و این نتیجه تغییر جدی افکار عمومی در کاناداست. در کشورهای اروپایی مانند انگلیس هم این را می‌بینیم اما کشور کلیدی آمریکاست. تغییرات آمریکا هنوز خیلی جدی نیست. سرجمع در نظرسنجی‌های آمریکا می‌بینید مردم هنوز بیشتر طرفدار اسرائیلی‌ها هستند تا فلسطینی‌ها. این را در جوان‌ها متفاوت‌تر می‌بینیم. مگر اینکه این جوانان سیاست را در دست بگیرند و تغییر نسلی صورت بگیرد، یک یا دو نسل عوض شود و ما تغییر جدی در سیاست آمریکا ببینیم. تغییر جدی در سیاست آمریکا می‌تواند یکی از عوامل تغییر قدرت باشد و تغییر جدی ایجاد کند. من این را برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده متصور نیستم و به نظرم زمان بیشتری نیاز دارد.

اگر از یک زاویه دیگر نگاه کنیم طرح اسرائیلی‌ها این است که فلسطینی‌ها را کوچ بدهند و پناهنده جدید تولید کنند و یک سری پاسپورت اسرائیل و اردن و مصر بگیرند. اگر اسرائیل به دنبال این راه باشد، چطور می‌توان تحلیل کرد؟ اگر این وضع و جنگ ادامه پیدا کند، فلسطینی‌ها با جنایت‌های اسرائیل از بین می‌روند.

قطعا چنین طرح‌هایی که وجود دارد حتی برخی بحث می‌کنند که جزایر مصنوعی برای فلسطینی‌ها ایجاد شود. از قبل هم مذهبی‌های صهیونیست هستند. بن‌گوریون نامه معروفی به پسرش دارد که می‌گوید فلسطینی‌ها باید بروند ولی ما برای این کار نیاز به زمان مناسب داریم و این زمان مناسب همیشه جنگ است. جنگ همیشه فرصتی برای اسرائیل ایجاد می‌کند که این کارها را انجام بدهند. ما تغییراتی نسبت به سال ۴۸-۴۷ داریم. الان به نظرم خود فلسطینی‌ها خیلی حساس هستند که این چیزها را نپذیرند. بیشتر فلسطینی‌ها حاضر نیستند با پول و وعده پاسپورت، سرزمین‌شان را ترک کنند. الان جامعه جهانی مثل ۱۹۴۸ نیست که اسرائیل بخواهد به راحتی هر کاری کند. حرف از کوچ اجباری که می‌شود، حتی صدای آمریکا هم درمی‌آید. می‌خواهم بگویم کوچ اجباری نسبت به دهه ۴۰ میلادی خیلی دشوارتر است. سناریو دشواری است، هرچند نمی‌توان به طور کامل آن را رد کرد.

ادامه از صفحه یک
ادامه در صفحه ۱۵

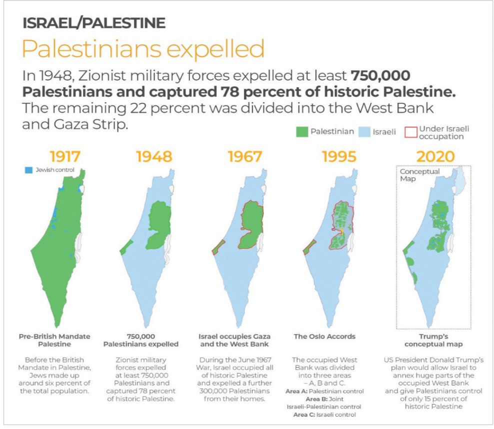
ISRAEL/PALESTINE
Palestinians expelled
In 1948, Zionist military forces expelled at least 750,000 Palestinians and captured 78 percent of historic Palestine. The remaining 22 percent was divided into the West Bank and Gaza Strip.
Palestinian
Israeli
Under Israeli occupation
1917
1948
1967
1995
2020
Pre-British Mandate Palestine
750,000 Palestinians expelled
Israel occupies Gaza and the West Bank
The Oslo Accords
Trump's conceptual map

▲ تصویر شماره یک

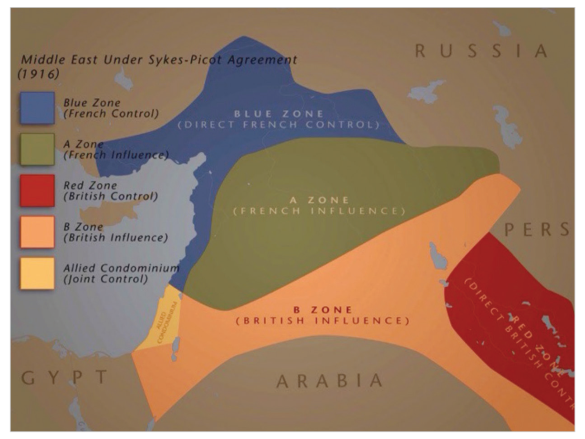
Middle East Under Sykes-Picot Agreement (1916)
Blue Zone (French Control)
A Zone (French Influence)
Red Zone (British Control)
B Zone (British Influence)
Allied Condominium (Joint Control)
RUSSIA
BLUE ZONE (DIRECT FRENCH CONTROL)
A ZONE (FRENCH INFLUENCE)
B ZONE (BRITISH INFLUENCE)
ARABIA

▲ تصویر شماره ۲

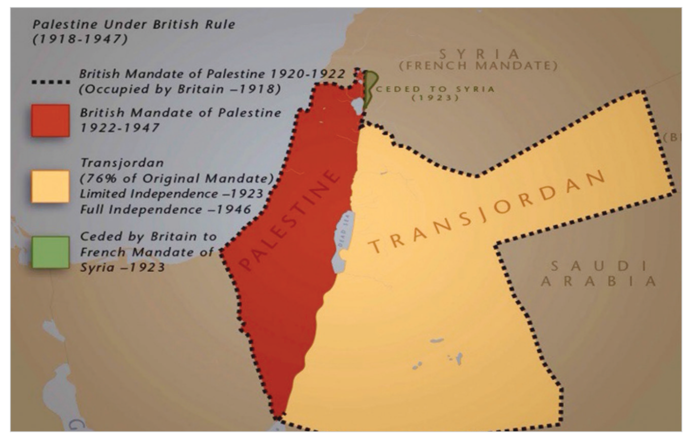
Palestine Under British Rule (1918-1947)
British Mandate of Palestine 1920-1922 (Occupied by Britain -1918)
British Mandate of Palestine 1922-1947
Transjordan (76% of Original Mandate) Limited Independence -1923 Full Independence -1946
Ceded by Britain to French Mandate of Syria -1923
SYRIA (FRENCH MANDATE)
PALESTINE
TRANSJORDAN
SAUDI ARABIA

▲ تصویر شماره ۳

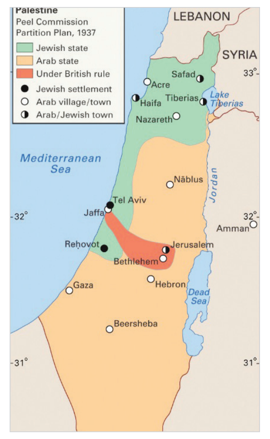

▲ تصویر شماره ۴

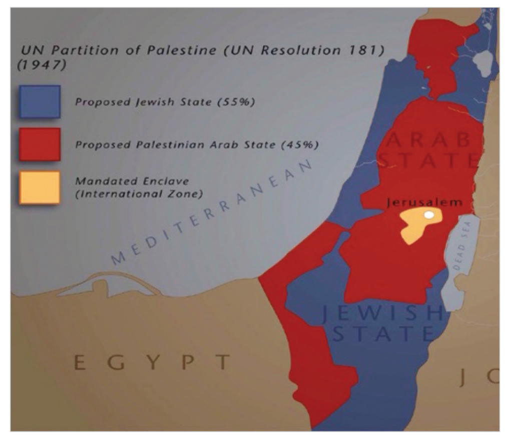

▲ تصویر شماره ۵

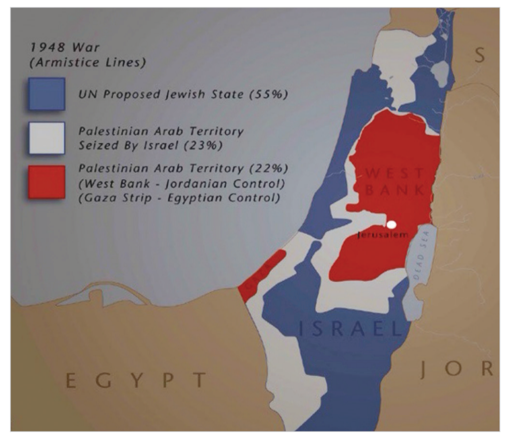

▲ تصویر شماره ۶

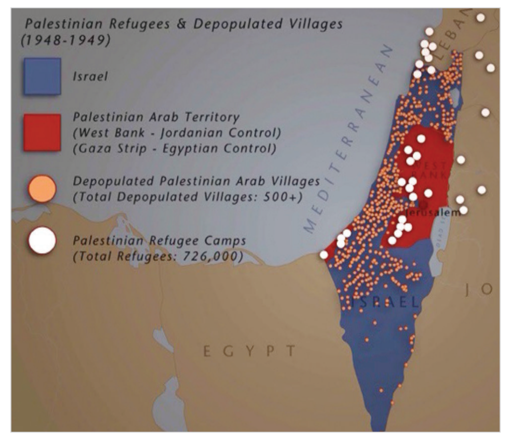

▲ تصویر شماره ۷

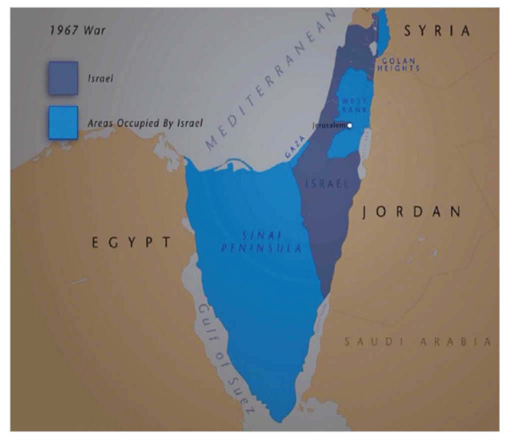

▲ تصویر شماره ۸

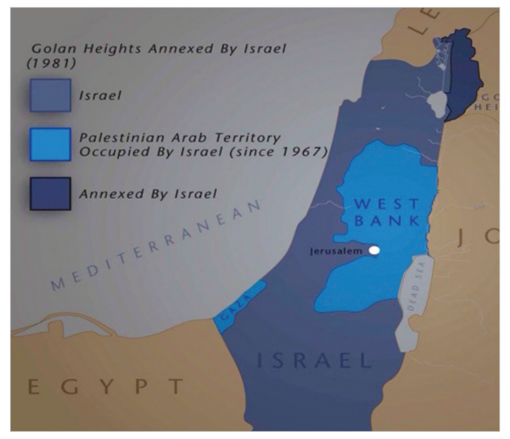

▲ تصویر شماره ۹

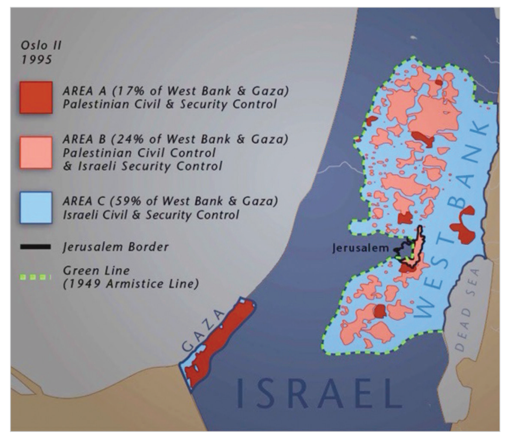

▲ تصویر شماره ۱۰

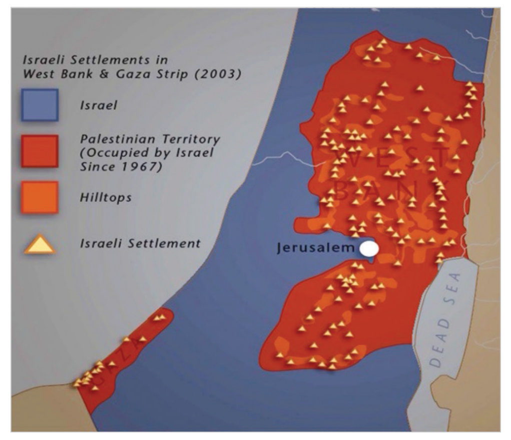

▲ تصویر شماره ۱۱

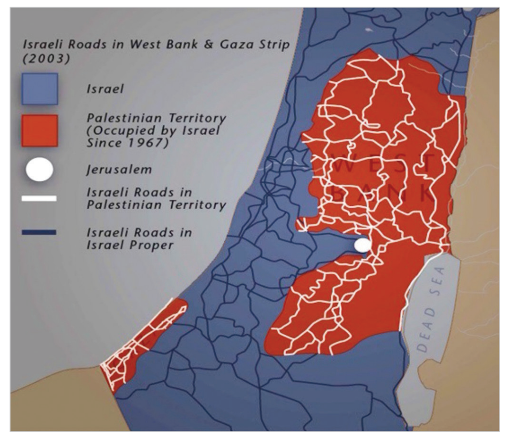

▲ تصویر شماره ۱۲

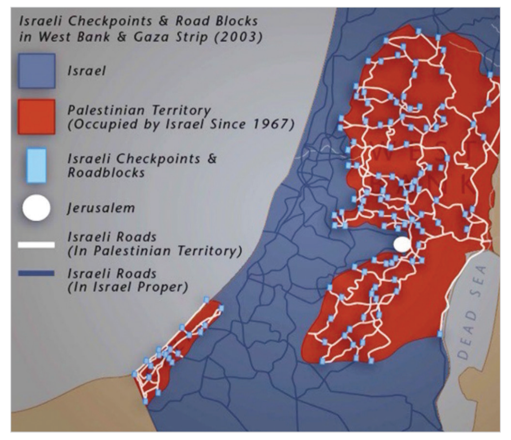
Israeli Checkpoints & Road Blocks in West Bank & Gaza Strip (2003)

▲ تصویر شماره ۱۳

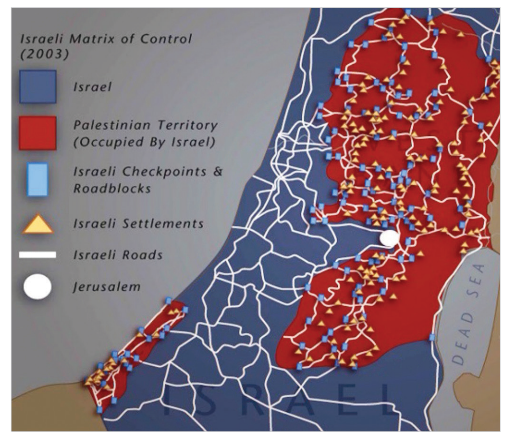

▲ تصویر شماره ۱۴

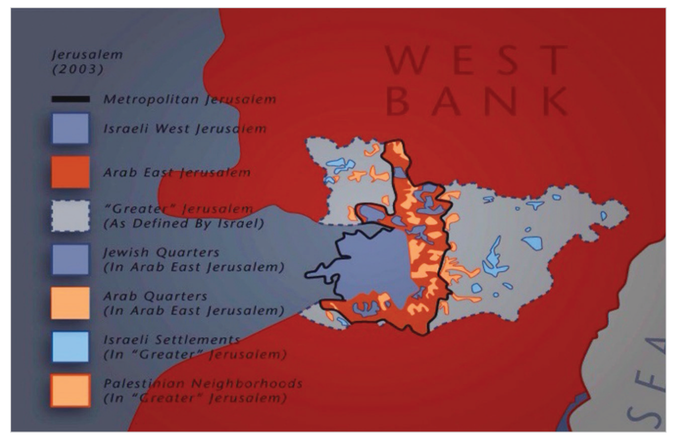
Jerusalem (2003)
WEST BANK
Israeli Settlements (In "Greater" Jerusalem)
Palestinian Neighborhoods (In "Greater" Jerusalem)

▲ تصویر شماره ۱۵

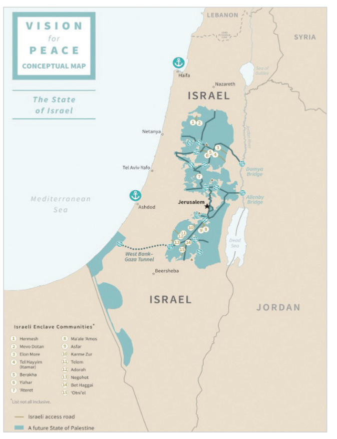

▲ تصویر شماره ۱۶

برگ سبز و کارت خودرو سواری سمند ال ایکس مدل ۸۸ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۵۱۳۲۰ و به شماره شاسی ۸۱۴۵۲۳ و به شماره پلاک ۱۴–۶۸۲ ن ۷۹ به نام ایمان عبدالهی‌نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی ساناز محمودی فرزند امان اله به شناسنامه ۱۴۱۳ صادره از مسجدسلیمان در مقطع کارشناسی ارشد رشته تحصیلی روانشناسی عمومی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۵۶۰۵۱ مورخ ۹۵/۰۲/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگشهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نمایید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب موسی جلالی خالص فرزند رضا به شماره شناسنامه ۹۱ صادره از کهنوج در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مدیریت دولتی صادره از واحد دانشگاهی کهنوج با شماره ۱۳۳۹۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کهنوج به نشانی استان کرمان - شهرستان کهنوج - دانشگاه آزاد اسلامی کهنوج ارسال نماید.

قوه‌قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان. ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد رسند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۳۴۰۰۰۲۸۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان. ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای افشین طیبی فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۵۱۸۰ صادره از همدان در ششدانگ یک باب ساختمان از پلاک ۱۷۵ اصلی واقع در حومه بخش دو همدان پلاک ۱۱۰۸۶ فرعی از ۱۷۵ اصلی واقع در حومه ۲ همدان، خریداری از مالک رسمی (مع‌الواسطه) آقای حسینعلی فرزند جانعلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰
شماره م الف: ۱۳۵ - شناسه آگهی: ۱۷۰۴۱۵۵

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی
۱۴۰۳/۰۲/۰۵

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر دارد تعمیر و نگهداری تاسیسات الکتریکی و مکانیکی (حرارتی و برودتی) ۲۲ دستگاه ساختمان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را از طریق مناقصه به شرح زیر واگذار نماید.

الف) شرح کار:
تعمیر و نگهداری تاسیسات الکتریکی و مکانیکی (حرارتی و برودتی) ۲۲ دستگاه از ساختمان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

ب) شرایط شرکت‌کنندگان در مناقصه
۱- گواهی تایید صلاحیت معتبر و مرتبط با موضوع قرارداد توسط وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی یا سازمان برنامه و بودجه را دارا باشند.
۲- دارای حداقل ۲ سال سابقه همکاری با سازمان‌ها، دستگاه‌های دولتی و یا نهادها و موسسات عمومی غیردولتی بوده و دارای دو فقره نمونه قرارداد مربوط به سه سال اخیر ۱۴۰۰ یا ۱۴۰۱ یا ۱۴۰۲ با مبلغ هریک حداقل ۲۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به همراه حسن انجام کار و در رابطه با موضوع قرارداد داشته باشند.
۳- دارای کد اقتصادی و گواهی معتبر مالیات بر ارزش افزوده از وزارت اقتصاد و دارایی باشد.
۴- دارای گواهی تایید صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی

ج) تضمین شرکت در مناقصه:
شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست معادل مبلغ ۴/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار را به صورت ضمانت‌نامه بانکی (مدت اعتبار حداقل ۳ ماه از تاریخ ارائه پیشنهاد) و قابل تمدید تا سه ماه دیگر تهیه و به دبیرخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال نمایند.

د) مهلت و محل دریافت اوراق مناقصه:
واجدین شرایط صرفا می‌توانند از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ جهت دریافت و تکمیل اوراق مناقصه به سایت setadiran.ir مراجعه نمایند. ضمنا به اطلاع می‌رساند کلیه مراحل از دریافت اسناد و بارگذاری مدارک مناقصه و ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) انجام خواهد شد.
پاکات ب و ج می‌بایست به امضای الکترونیکی صاحبان امضای مجاز برسد.

ه) مهلت و محل تحویل پاکت‌های پیشنهادی:
مناقصه‌گران موظف هستند کلیه مدارک (پاکت‌های الف-ب-ج) را دریافت و در سایت تدارکات دولت (ستاد ایران setadiran.ir) تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ بارگذاری نموده و صرفا پاکت (الف) را پس از تکمیل و ممهور به مهر شرکت (مهروموم‌شده) به نشانی: تهران-میدان بهارستان-خیابان کمال‌الملک-ساختمان مرکزی وزارتخانه-دبیرخانه مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل نمایند.
جلسه بازگشایی پاکات روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ ساعت ۹ صبح در سالن اجتماعات ساختمان مرکزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.

تذکرات:
۱- هزینه درج آگهی‌ها در روزنامه برعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۲- برای کسب اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند به صورت حضوری و یا با شماره تلفن ۳۸۵۱۲۴۰۱ تماس حاصل نمایند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- اداره کل پشتیبانی و خدمات فنی
شماره شناسه ۱۷۰۳۹۰۷
شماره م.الف ۳۰۴

فرهیختگان
صدای نخبگان
نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a۶۶۳۴۸۰۱۸@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدرسه عالی مهارتی رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان در نظر دارد آهن‌آلات مازاد بر نیاز (اسقاط) خود را از طریق آگهی مزایده عمومی به شرح زیر به فروش برساند.

ردیف	نام کالا	مقدار تقریبی
۱	آهن‌آلات مازاد	۱۰ تن

مبلغ شرکت در مزایده ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال واریز به حساب شماره ۰۱۰۴۱۶۴۱۰۸۰۰۵ با شناسه ۱۰۸ نزد بانک ملی می‌باشد.
مهلت تسلیم اسناد مزایده از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد.
دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادها اختیار کامل دارد.
هزینه چاپ آگهی در روزنامه محلی و سراسری بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
بازدید از آهن‌آلات از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز کاری از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴ عصر به آدرس رفسنجان-بلوار ولایت-دانشگاه آزاد اسلامی به صورت حضوری امکان‌پذیر است.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس ۳۴۳۵۶۶۰۸ – ۰۳۴ و ۰۹۱۳۲۹۳۰۱۲۱ و ۰۹۱۳۲۹۳۴۸۸۲ تماس حاصل نمایید.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان

ادامه از صفحه ۱۴